

پیش بینی مدیر عامل بنز از آینده کسب و کارهای جهان

مدیرعامل بنز آینده جهان را اینطور پیش بینی کرده است: «رقیبان ما شرکت‌های تولید خودرو نیستند بلکه شرکت‌هایی مثل لیل، گوگل و سیسکو هستند. در پنج تا ده سال آینده نرم‌افزار و اطلاعات همه صنایع را خواهد بلعید. شرکت خدماتی اوبر که الان بزرگ‌ترین شرکت تاکسیرانی است یک ماشین هم ندارد و فقط یک نرم‌افزار است. شرکت ایربی اندبی بزرگ‌ترین شرکت هتلداری جهان است بدون داشتن حتی یک هتل. شرکت آسون با ارائه نرم‌افزار تشخیصی خود، با دقت صد درصد، در تشخیص انواع سرطان به کمک پزشکان خواهد آمد. شاید بتوان گفت تنها کسب‌وکار فیزیکی که در آینده رشد خواهد کرد، گردشگری است. انسان‌ها کارهای خود را به سیستم‌های اطلاعاتی واگذار خواهند کرد!»

یکشنبه ● ۲۱ خرداد ۱۳۹۶ ● شماره صد و شش

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

گزارشی از زندگی کسب و کاری حمید مومزائی، کارآفرین نمونه صنعت برق

با کارگری شروع کردم حالا خط تولید دارم!



● **مهرناز شهباز** ●

● **روزنامه نگار** ●

آسمان آن سال‌ها یاری می‌کرد، کشاورزی هم رونق داشت، زمین دهنده بود و آسمان بخشنده. سدسازی آن سال‌ها نماد سازندگی بود، هرچا آسمان غرشن‌هایش بیشتر بود و دره‌های فراخ‌تر، کلنگ سدسازی همانجا خورده می‌شد، زمین‌های کشاورزی را می‌بلعید، جایی برای کشت و کار نمی‌گذاشت. سد زاینده‌رود آب را برای پایین‌دستی‌ها می‌برد، برای اصفهان و آن‌سوترش. بختیاری‌های زیادی در آن سال‌ها، اواخر دهه چهل، راهی اصفهان شدند. کشاورزی دیگر جواب معاششان را نمی‌داد، ناگزیر برای طی طریق زندگی و آینده بچه‌ها خانه‌هایشان را بار می‌کردند و به اصفهان می‌آمدند. پدر حمید هم کشاورز بود، آن سال‌ها حمید به دنیا نیامده بود. زمینی برای کشاورزی نمانده بود، باید برای گذران زندگی ترک دیار می‌کرد. در اصفهان کارروبار خوب بود. صنایع جدید در اصفهان زاینده شده بودند، شرایط اقتصادی به بیشتری را به اصفهان می‌آورد. پدر در کارخانه صنایع شیر ایران مشغول به کارگری شد. حمید به دنیا آمد، همه هم‌وغم پدر این بود که حمید و فرزندهای دیگرش از بچگی کار بلد بشوند. اصفهان شهر بزرگی بود، باید یاد می‌گرفتند گلیمشان را از آب در بیاورند. راه و چاه زندگی را بدانند. حمید مومزائی می‌گوید: «سه خواهر و دو برادر بودیم. زندگی می‌گذشت اما به سختی. شرایط اقتصادی به نحوی بود که من و برادرم از همان ایام کودکی مشغول به کار بودیم. تابستان و گاها در حین تحصیل هم کار می‌کردیم. کارگری ساختمان یا کار در خیاطی،» پدر آنها را گذاشته بود خیاطی تا کار یاد بگیرند. حمید می‌گوید تا سه چهار سال تابستان‌ها کارشان همین بود، پدرش برای اینکه شوق کار در آنها بجوشد چندین بار حقوقشان را خودش داده بود: «بعدها متوجه شدیم که اوایل حقوقمان در خیاطی از جیب کارگری پدرمان می‌آمد؛ در واقع ما را در زمینه کاروکسب و درآمد آموزش می‌دادند.» حمید حالا شرکت خود را راه انداخته و برای حدود ۶۰ نفر تولید کار کرده است.

● روزهای سخت و پرتلاش

حمید بالیدن گرفت. کار می‌کرد، کمک‌حال پدر بود، حداقل خودش خرجش را درمی‌آورد. «مشغول به کار بودم که در دانشگاه رشته حسابداری قبول شدم. دو ترم مرخصی گرفتم که به کار برسم. مدتی بعد، از ترم دوم کار را کنار گذاشتم و کامل تحصیلات را ادامه دادم. لیسانس را که گرفتم حدود ۹ سال در یک شرکت خردورسازی کار کردم؛ تجربیات خوب و ارزنده‌ای به دست آوردم. با آن تجربیات درواقع شرکت خود را زدم.» مومزائی خودساخته است. پدرش این گونه بارش آورده است.

پیش‌کش

تلاش، صبر و امیدواری سه ویژگی بارز حمید مومزائی است، همه آن چیزهایی که از کودکی آموخته همین بوده و آنها را یکجا در کارزار زندگی به کار گرفته. از کودکی کارگری کرد و از سختی‌ها پروایی نداشت. امید او را در حسرت فرداها نگذاشت. حمید دستش را به سوی فردا دراز کرد و هنوز هم چشمش به دوردست‌ها می‌رود. او برای ادامه کارش و رسیدن به هدف‌هایش نقطه‌گذاری و هرساله برنامه‌ریزی‌هایش را به‌روز و تصحیح می‌کند.



کتیو | ۰۹



● **نگاه** ●

● **مهران امیری** ●

بعضی وقت‌ها دولت‌ها کافی است کاری نکنند!

«دولت باید کاری در این زمینه بکند،» شنیدن این جمله در کشوری که دولت همواره همه‌کاره بوده چندان عجیب به نظر نمی‌آید. اما شنیدن این عبارت در باره کشورهایی که از گروه توسعه‌یافته‌ها هستند عجیب به نظر می‌رسد. درواقع دولت‌ها چه در کشورهای توسعه‌یافته و چه در سایر کشورها دست‌کم در زمینه کارآفرینی نقش بزرگی دارند؛ آنها سیاست‌گذاری‌های منطقی و بلندمدت را با هدف بهبود اقتصادی و توانمندسازی صاحبان دانش و تخصص انجام می‌دهند. اما کار دیگری که دولت‌ها باید حتما انجام دهند این است که خودشان کاری انجام ندهند!

دولت‌های مدرن امروزی در بسیاری از کشورها نقش اصلی خود را در تأمین امنیت، بهداشت، و برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی جستجو می‌کنند و برنامه کوچک‌سازی ساختار دولت و عدم‌مداخله در اجرای برنامه‌ها را با جدیت دنبال می‌کنند. در این چنین فضایی است که موضوع حمایت از کسب‌وکارهای نوپا (startup) به شکلی ویژه در دستور کار دولت‌ها قرار می‌گیرد. بررسی گزارش‌ها و آمار موجود درباره این نوع کسب‌وکارها در کشورهای مختلف دنیا نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین تعداد آنها و میزان توسعه‌یافتگی کشورها وجود دارد. در کشورهایی چون آمریکا، برخی کشورهای اروپای غربی، هندوستان، اندونزی و ایران این نوع کسب‌وکارها به میزان قابل توجهی در حال شکل گیری است.

در بررسی شیوه حمایت از این کسب‌وکارها دیده می‌شود که در بسیاری از کشورها دولت مداخله مستقیمی در روند ایجاد و ادامه کار آنها ندارد و در واقع آنچه در کشور ما به آن بخش خصوصی گفته می‌شود میدان‌دار کلیه این ماجراست. نکته جالب اینکه بسیاری از این کسب‌وکارهای نوپا با استفاده از فناوری‌های ارتباطی امروزی خود را در سایت‌های اطلاع‌رسانی ویژه‌ای که فراهم شده معرفی می‌کنند و افراد علاقه‌مند با سرمایه‌های خود در پروژه‌ها مشارکت می‌کنند. شیوه‌های مختلفی برای مشارکت و حمایت مالی از پروژه‌های نوپای کسب‌وکار وجود دارد که یکی از جذاب‌ترین آنها شیوه‌ای موسوم به سرمایه‌گذاری جمعی (Crowdfunding) است که در آن افرادی با مبالغ بسیار کم با پروژه‌ها مشارکت می‌کنند. در این شیوه مشارکت، مخاطره سرمایه‌گذاری بسیار کاهش می‌یابد چراکه تعداد زیادی از افراد با مبالغ کم زمینه اجرای پروژه را فراهم می‌کنند و در صورت شکست برنامه‌ها، زیان اندکی متوجه آنها خواهد شد و البته در صورت موفقیت پروژه، آنها نیز به همان میزان صاحب‌سهم در سود بعدی خواهند بود.

آنچه بیش از همه مورد توجه است اینکه دولت‌ها در این زمینه بهتر است مطلقا کاری انجام ندهند. در حقیقت مداخله دولت‌ها در این زمینه بیش از اینکه مفید باشد مضر است. رابطه متعارف بین عرضه و تقاضا، و کار و امید به سودآوری با حضور دولت‌ها مختل می‌شود. دولت‌ها در صورت سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارها عموما موجب هرفتن منابع و افزایش هزینه می‌شوند، و چنانچه درگیر مدیریت امور شوند، غالبا موجب کندی کارها و خروج از چرخه سودآوری می‌شوند. این وضعیت در کشورهایی که هنوز در گروه توسعه‌یافته‌ها تلقی نمی‌شوند و دولت‌ها باز یگر اصلی همه عرصه‌ها هستند، با شدت بیشتری رخ می‌دهد.

● **دید نو** ●

فامیل بازی پسندیده!

برخی روایط در مناسبات اداری نكوهیده و همواره زیان‌آور بوده، آنچه از آن به‌عنوان فامیل‌بازی نام برده می‌شود یکی از این نمونه روایط است که اثرات زیان‌بار فراوانی دارد. مخاطب اصلی این واژه افرادی هستند که از امکانات و منابع عمومی برای اشتغال وابستگان نسبی و سببی خود بهره می‌برند. اما هرچه این دست اقدامات در فضای اداری مورد نكوهش است، در بسیاری از کسب‌وکارهای خصوصی مورد توجه و در برخی موارد موجب افزایش بهره‌وری است. این شیوه از به‌کارگیری افراد در روند فعالیت‌های اقتصادی از قدیم مرسوم بوده و بسیاری از کسب‌وکارها به شکل خانوادگی اداره می‌شده‌اند. همان‌طور که در فعالیت‌هایی مانند کشاورزی و دامداری هنوز نیز مرسوم است. به نظر می‌رسد پس از چند دهه تمایل به اشتغال در مشاغل دولتی، امروز بسیاری از افراد خواسته یا ناخواسته درگیر مشاغل غیردولتی هستند و بسیاری از این مشاغل به سمت خانوادگی شدن حرکت می‌کنند. سهولت در انتقال دانش و تجارب عملی، ایجاد فضای صمیمی کار، جلب حمایت در مقابله با مشکلات و مواردی از این دست، در شرایطی که تکنک‌های اقتصادی بسیاری وجود دارد، حرکت به سمت کسب‌وکارهای مبتنی بر مشارکت خانوادگی را افزایش داده است.

تلاش، صبر و امیدواری سه ویژگی بارز حمید مومزائی است، همه آن چیزهایی که از کودکی آموخته همین بوده و آنها را یکجا در کارزار زندگی به کار گرفته. از کودکی کارگری کرد و از سختی‌ها پروایی نداشت. امید او را در حسرت فرداها نگذاشت. حمید دستش را به سوی فردا دراز کرد و هنوز هم چشمش به دوردست‌ها می‌رود. او برای ادامه کارش و رسیدن به هدف‌هایش نقطه‌گذاری و هرساله برنامه‌ریزی‌هایش را به‌روز و تصحیح می‌کند. «ما هنوز در شرایط رشد هستیم؛ در چهار پنج سال آینده فرایند ما افزایش تولید و تنوع محصولات خواهد بود. اگر این مسیر رشد را بتوانیم ادامه بدهیم و به عنوان تولیدکننده نیروی انسانی داخل کشور هستند برای سازمان‌های دولتی در اولویت مصرف باشد اما پروکراسی دولتی به نحوی است که حتی بخش نامه‌هایی که خودشان در حمایت از تولیدات داخلی اعلام می‌کنند اجزایی نمی‌شود.»



داخلی می‌گوید: «دولت قانونی را تصویب کرده به نام مصرف کالا‌های داخلی و جلوگیری از ورود کالا‌های خارجی که مشابه داخلی دارند. اما شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی واقعا از این مصوبات پیروی نمی‌کنند.» او اعتقاد دارد محصولاتی که شرکتشان تولید می‌کند از نظر کیفیت و دانش فنی محصول روز دنیا هستند. اما گلاویه می‌کند که تولید داخلی هنوز در ناباوری است که کی مسئولان می‌خواهند به این بینش برسند که باید از خودشان شروع و برای یک بار و برای همیشه این معضل را حل کنند. او می‌گوید: «باید محصولاتی که تولید کارگر و نیروی انسانی داخل کشور هستند برای سازمان‌های دولتی در اولویت مصرف باشد اما پروکراسی دولتی به نحوی است که حتی بخش نامه‌هایی که خودشان در حمایت از تولیدات داخلی اعلام می‌کنند اجزایی نمی‌شود.»

در سال‌هایی که کار می‌کرد، ۴۰ میلیون سرمایه جمع کرده بود. دلش می‌خواست کارروبار جدیدی راه بیندازد. از روزمرگی خوشش نمی‌آمد؛ تصمیم گرفت شرایط جدیدی ایجاد کند. یک محیط جدید، یک صنعت جدید، می‌خواست به داشته‌هایش اضافه کند: «از طریق مشارکت با دیگر دوستان که هر کدام تخصص خاص خودشان را داشتند و با بررسی‌هایی که انجام دادیم، محصولی را انتخاب کردیم که بتوانیم با دانش روز دنیا به صنعت کشور خدمت کنیم.» تصمیم این شد که وارد عرصه تولید محصولات الکتریکی شوند. هدف تولید انواع برق گیر بود. صنعت که روزی کار و زمینشان را گرفته بود و راهی دیار غرب‌نشان کرده بود حالا دست سخاوت داشت. شاید وقت پس دادن بود، حمید وارد صنعت شد؛ صنعت برق. توانسته بود با همه مشغله‌ای که داشت فوق لیسانس مدیریت بازرگانی بگیرد. دانش و پولش را به دل کار زد. نام شرکتش را «برق‌گیر پایا» گذاشت. خودش متخصص مالی و مدیریت بود، مجموعه‌ای از دوستانش را که در زمینه برق و الکترونیک تخصص داشتند گرد هم آورد و شروع کردند. اما این اول راه بود، طول می‌کشید تا بتوانند در صنعت برق قد بکشند. کسب دانش فنی مستلزم صرف زمان بود، باید تلاش می‌کردند. تجهیز خط تولید و راه‌اندازی ماشین‌آلات زمان می‌برد: «با ۴۰ میلیون سرمایه ناچیز شروع کردیم اما مرحله به مرحله کار نیازمند زمان و سرمایه بود تا درواقع خط تولید مجموعه کامل شود. حدود دو سال طول کشید تا خط تولید آماده بهره‌برداری و محصولات تولیدی‌اش به بازار ارائه شود.»

■ سوار بر گرده صنعت

اولین تولیدشان برق گیر فشار متوسط بود. اما حالا با گذشت شش سال شرکت حمید مومزائی انواع برق گیرهای موردنیاز شبکه انتقال برق ایران را تولید می‌کند. مجموعه او برای ۲۰ نفر اشتغال مستقیم و برای ۴۰ نفر اشتغال غیرمستقیم ایجاد کرده. این پیشرفت خوبی برای حمید است. او عنوان کارآفرین برتر صنعت برق اصفهان را گرفته و واحد صنعتی اش نمونه شده. حالا حمید آرزوی پدر را برآورده کرده، کوشش‌هایش به بار نشسته، پسر بر گرده صنعت سوار شده و در عرصه کار کشور سهمی دارد. زندگی در یک خانواده کارگری، و همپای پدر سهمی از بار زندگی را به دوش کشیدن حمید را آموخته تلاش و همت کرده. او کارآفرین بودن را جزئی از ویژگی‌های شخصیتی‌اش می‌داند: «این که شما یکی دو سال کار کنید تا بتوانید محصول باکیفیت و تاییدشده ارائه کنید واقعا سخت است. هر زمان و هر لحظه شرایط و مقتضیات زمان به نحوی‌ش می‌رود که مردم می‌شوید آیا ادامه کار بدهید یا کار را تمام کنید. باید سطح استرس قابل قبولی داشته باشید؛ اینکه بخواهید یک کار را به نتیجه برسانید اراده خیلی قوی می‌خواهد.»

مثل هر تولیدکننده داخلی دیگر حمید از باور نداشتن به تولید

نمونه‌ای از یک تجربه موفق توانمندسازی زنان کم‌درآمد در هند

زنان روستایی چطور زندگی خود را متحول کردند؟

توسط موسسه NABARD سازماندهی شده‌اند ثابت کرده‌اند که توانمندسازی می‌تواند از هزاران راه انجام شود. گیتانجالی تریپاتی زن ۵۲ ساله‌ای از اودیشا است که نزدیک به بیست سال پیش تصمیم گرفت آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای را برای زنان روستای خود مهیا سازد. زنان برای بهره‌گیری از این نوع آموزش‌ها و فراگرفتن گلدوزی و خیاطی از راه‌های دور به او مراجعه می‌کنند. خانم گیتانجالی با مشاهده تأثیری که آموزش‌هایش داشته، یک گروه خودیاری به نام Swastik ایجاد کرد. او در باره اینکه چطور اوضاع رو به تغییر رفت به یک روزنامه محلی می‌گوید: «ما برای درآمد به همسرانمان وابسته نیستیم. ما مستقل هستیم و می‌توانیم درآمدمان را صرف آموزش فرزندانمان کنیم.»

زمانی بود که زنان حتی از خانه خارج نمی‌شدند اما اکنون یک سازمان مردم‌نهاد به نام «دست در دست» به کمک آنها آمده تا وسایل خیاطی را در اختیارشان بگذارد. در نتیجه این زنان که کارشان را با ۶ هزار روپیه شروع کردند، اینک در نمایشگاه مبلغ ۵۰ هزار روپیه برای هر غرقه می‌پردازند. نمتها خانم گیتانجالی

منبع: yourstory.com

